

فضول باشی و قرارداد ترکمانچائی فدراسیون فوتبال

فضول باشی مدت هاست در راستای عمل به پروتکل های بهداشتی کمتر آفتابی می شود. حتی حساسیت را به حدی رسانده است که با تماس تلفنی هم مخالفت می کند. می گوید توان و قدرت جسمی کافی برای مبارزه با کرونا را ندارد و بنابراین ترجیح می دهد که در خانه بماند و سلامتی اش را تضمین بکند.

امروز بعد از این که شنید آمار کرونا در اردبیل پائین آمده است جرئتی پیدا کرد و دل به دریا زد و از منزل بیرون آمد و سری هم به ما زد و گفت:

عجب فوتبال ایران با مردان دست و دل بازی طرف بوده است. مردانی که ابائی از بخشش ها و عقد قرارداد های نجومی ندارند، مردانی که سال ها با استفاده از انواع شگردها مدیریت در فوتبال مملکت را به دست گرفته اند و با ویلموتس مربی بلژیکی قراردادی فراتر از ترکمانچای منعقد کرده اند.

وی در ادامه گفت: تاج و دوستانش باید پاسخگوی این قبیل حرکات باشند. مگر می شود با آن همه ادعا قراردادی فاجعه بار منعقد بکنند و قتی پرده ها بیفتند فوراً بگویند مریضم و بیمار، باید بروم و میدان را خالی بکنم و از مخمصه ای که ممکن است گرفتارم بکند خود را نجات بدهم.

گفتم: فضول باشی در افتضاح مورد اشاره، تاج و دوستانش در فدراسیون یک طرف قضیه هستند و حامیان سینه چاک و بله قربان گوی آنها در اقصی نقاط کشور یک سر دیگر موضوع می باشند.

گفت: راست می گویی. اگر اعضای مجمع و بخصوص اکثریت هیئت های استانی با تمام وجود از کفاشیان و تاج حمایت نمی کردند آنها جرئت یکه تازی و عقد قراردادهای آنچنانی را نمی توانستند داشته باشند. تاج و رفقا به پشتوانه همین حمایت های معنی دار چوب حراج بر فوتبال و بیت المال زدند و وبا ویلموتس قرار داد ترکمانچای منعقد نمودند.

گفتم: حالا متوجه شدم که چرا تاج برای رؤسای هیئت های استانی به

طرق مختلف حال می داد. مثلا تخلفات آنها را نادیده می گرفت، آنها را به کلاس های مدیریتی در اروپا می فرستاد و یا همراه تیم های ملی به کشور های مختلف برای سیاحت و گردش می فرستاد. یک بررسی نشان می دهد که به عنوان مثال چند رئیس هیئت استانی به همراه تیم ملی امید به تایلند رفتند و اصلا چرا رفتند و چرا برای آنها از بیت المال هزینه کردند؟ بگذریم رأی گرفتن هزینه دارد و چقدر لذت بخش می شود که این هزینه ها از بیت المال پرداخت شود!!

وی اجازه نداد که کلام من منعقد شود و گفت: آرزوی من است که قوه قضائیه و بازرسی به این موضوع ورود پیدا بکنند و یقه مقصرین را بگیرند و درسی فراموش نشدنی به آنها و حامیانشان بدهند. آیا ظلمی بالاتر از این وجود دارد که بدون حساب و کتاب به بیت المال ضربه بزنند و آنگاه با یک برگ کاغذ به نام استعفا همه چیز را پایان یافته تلقی بکنند؟

گفتم: نگران نباش این دفعه حضرات نمی توانند با استفاده از شگردهای نخ نما شده وسیله تبرئه خود را فراهم بکنند. کار از این کارها گذشته است. آمار و ارقامی از حقوق روزانه این مربی اعلام می شود که من یکی توان تحمل و پذیرش آن را ندارم. جل الخالق این آقایان خود را عقل کل می دانستند و تن به این کارها داده اند اگر نقصی در قدرت درک می داشتند که فاتحه ورزش و فوتبال ایران را قرائت می کردند..

فضول باشی نگاه معنی داری به من کرد و گفت: ساختار فوتبال کشور باید دستخوش تغییرات شود. افکار و نیروهایی که بر آن حکمرانی می کنند باید غزل خدا حافظی را بخوانند. تا پاکسازی کاملی در فضای آن انجام نگیرد برای بهبودی حالش نباید امید داشت. این تنها راه نجات فوتبال است ولی به تحقق این آرزو هم نباید زیاد امیدوار شد.